

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) رفراندم و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و

حکمتیست زمستان ۱۹۹۹

۲۸ فوریه ۲۰۱۸ - ۹ اسفند ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی

حضور گسترده و منحصر به فرد مردم محروم، تهیدستان و کارگران در این خیزش توده ای زنگ خطری نه فقط برای حاکمیت که برای کل بورژوازی و نیروهای سیاسی آن بود.

خیزش دیمه ظرفیت رادیکال، کارگری و چپ اعتراض به فقر، خفقان، آپارتاید و ... را نشان داد. همین رادیکالیسم، راست جامعه را به مقابله با این جنبش، با تلاش برای "خاتمه دادن" به آن و فرستادن مردم به خانه ها به میدان آورد. ... ←

رهبری واحدی نیست. چپ و راست جامعه تلاش میکنند مهر خود را بر این جنبش زده و مردم را حول افق و پرچم خود متحد کرده و به میدان آورند.

راست یکبار دیگر فرجه ای پیدا کرده تا بر متن ناروشنی مردم در معنای پیروزی جنبش سرنگونی با قربانی کردن بخشی از رژیم، ولی فقیه و اصولگرایان، حفظ کل دستگاه حاکمیت و ماشین سرکوب آن را بعنوان پیروزی در مقابل جامعه قرار دهد. پایه اجتماعی و گستردگی خیزش دیمه،

خیزش دیمه تهیدستان و محرومان، یکبار دیگر سرنگونی جمهوری اسلامی را به مسئله محوری جامعه ایران تبدیل کرد. این خیزش، همانطور که ما اعلام کرده بودیم، نشان داد جنبش اصلاح رژیم، بسته شدن پرونده تغییر گام به گام، "آرام"، از درون، شکست کامل و تمام عیاری خورده است. این شکست پایه عروج این جنبش علیه کل حاکمیت، با همه جناحها و نهادها و شخصیت هایش، و برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. تهیدستان و اکثریت محروم جامعه به مهر باطل زدن بر جنبش اصلاح و اعتدال حکومت اسلامی، اعلام کردند به چیزی جز سرنگونی فوری و بی قید و شرط جمهوری اسلامی رضایت نمیدهند.

• آرایش نیروهای سیاسی امروز سرنگونی جمهوری اسلامی به مسئله محوری جامعه تبدیل شده است. اما این جنبش هنوز صاحب پرچم و

حزب حکمتیست (خط رسمی) جدال کار و سرمایه در فصل تعیین حداقل دستمزدها

بعد از چند دهه کشمکش کارگران با دولت و سرمایه داران بر سر تعیین حداقل دستمزد در آغاز هر سال، اینکه "دستمزد باید تامین کننده معیشت خانواده کارگری و متناسب با تورم باشد" امروز داده هر کارگری است. این مطالبه در همه بیانیه ها و اظهار نظر تشکل های کارگری و رهبران و فعالین کارگری، مشترک است. ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی هم، نرخ تورم رسمی و تامین حداقل معیشت زندگی "آبرومندان" را دو معیار تعیین حداقل دستمزد سالانه می نامد. کمیته مزد شورای عالی کار سال گذشته، سبد حداقل معیشت کارگران را دو میلیون و ۴۸۹ هزار تومان برآورد کرد.

دولت در این سالها و هر سال با افتخار اعلام می کند که دستمزد کارگران متناسب با تورم افزایش پیدا کرده است. مستقل از اینکه دولت در تعیین میزان تورم مختار است، اما در این ادعا سبد هزینه زندگی کارگر هیچوقت به حساب نیامده است. برای دولت و کارفرماها مهم نیست هزینه زندگی خانواده کارگری چقدر است و به چه دستمزدی نیاز دارد، آنچه که مهم است این است که کارفرما و دولت با تعیین کم ترین میزان دستمزد و افزایش ناچیز آن، یقه خود را از مطالبات کارگران در فصل دستمزدها رها کنند و یک سال دیگر گرسنگی و فقر را به طبقه کارگر تحمیل نماید. ... صفحه ۵

مرگ کارگر هفت تپه! صفحه ۶

۸ مارس روز جهانی زن .. صفحه ۷

اعتراض به بستن تنها روزنه معیشت .. صفحه ۷

اطلاعیه پایانی پلنوم چهل و یکم کمیته مرکزی

حزب حکمتیست - خط رسمی .. صفحه ۸

سرکوب مردم منسوب به "دراویش گنابادی"

محکوم است .. صفحه ۸

بازداشت صالح مسلم .. صفحه ۹

آزادی برابری حکومت کارگری

بیانیه حزب ...

نیروهای راست و محافظه کار در اپوزیسیون مانند ناسیونالیستهای پرو غرب مانند سلطنت طلبان، جمهوریخواهان و لیبرالها و توده و اکثریت، در کنار بخشی از حاکمیت، از احمدی نژاد و روحانی تا اصلاح طلبان سرخورده "رادیکال" و "سرنگونی طلب" شده، امروز در مقابل جامعه و مردمی که برای به زیر کشیدن کل حاکمیت به صحنه آمده اند صف کشیده اند. نیروهایی که وجه مشترکشان مقابله با دخالت مستقیم مردم در سیاست و در پروسه به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و تعیین آینده جامعه است. نیروهایی که هراس شان از طبقه کارگر و محرومان جامعه بیش از جمهوری اسلامی است. پرچم راست در این تقابل "مقابله با خشونت از طریق رفتارند" است. رفتارندمی با تفاسیر متفاوت اما در هاله ای از تقدس "کم هزینه"، "مدنی"، "مسالمت آمیز"، "بهم نخوردن جامعه" و را در مقابل مردم قرار میگیرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) کماکان بر سیاست خود در قبال رفتارندم و سرنگونی جمهوری اسلامی که از سال ۲۰۰۵ اتخاذ کرده است، پای میفشارد:

• رفتارندم

آنچه که تحت عنوان رفتارندم یا همه پرسی از مردم در

مورد نظام حکومتی آینده ایران از جانب اپوزیسیون راست مطرح میشود به هیچ عنوان تضمین کننده حق مردم در تعیین نظام آتی حکومت در ایران نیست. طرح رفتارندم به عکس آنچه که ادعا میکند منشور سازش با جمهوری اسلامی یا بخشی از آن است.

طرح رفتارندم پرچم مشترک اپوزیسیون راست است. طرحیست برای شکل دادن به وسیعترین اتحاد در اپوزیسیون راست. رفتارندم امروز نه تنها سازمانها و روشنفکران و دو خردادی های تازه جمهوری خواه شده را با خود دارد، بلکه قرار است، با "تفسیر خاصی"، بخش هائی از دوحرداد سابق درون رژیم را هم "پای میز مذاکره" و توافق بکشد و به آنها اهرم مقاومت بدهد.

رفتارندم بعلاوه طرح "مردم دست نگهدارید تا ما رژیم را به رفتارندم بکشیم"، طرح "مردم شلوغ کردن لازم نیست ما داریم توافق میکنیم" است. طرح دور کردن مردم از دخالت مستقیم در سیاست و نالازم اعلام کردن سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم است. این طرح چه در قالب رفتارندم با وجود جمهوری اسلامی و چه در قالب رفتارندم بعد از جمهوری اسلامی در هر دو حالت طرحی برای بیرون کردن مردم از میدان مبارزه انقلابی، سازش با بخش هائی از جمهوری اسلامی و مصون نگاه داشتن دستگاه

سرنگونی خود رفتارندم برگزار میکند؛ آزادی تبلیغات میدهد، شمارش آرا را درست انجام میدهد و با اعلام شکست در انتخابات آخوندها در مراسم "تحلیف" رئیس جمهور یا شاه بعدی شرکت میکنند و بعد از این مراسم برای شکار پروانه و مطالعه در زنجیره حیات، عازم "حوزه های علمیه" میشوند کلاهبرداری سیاسی است. کسانی که به مردم میگویند سپاه پاسدارن، گله حزب الله و انصارالله و آدمکشان و شکنجه گران وزارت اطلاعات همگی، بعد از "رای نیابردن" در رفتارندم کنار میروند، ریششان را میتراشند، ادکلن میزنند و فلسفه درس میدهند یا مدرسه مطالعات استراتژیک تاسیس میکنند شارلاتان هستند. اگر مردم جمهوری اسلامی را به قبول رفتارندم کشیده باشند، قبل از آن باید آن را سرنگون کرده باشند. این نسخه از رفتارندم برای باز گذاشتن امکان "سر در آوردن" جمهوری اسلامی یا جناحی از آن از صندوق "رفتارندم" است. نسخه به سازش کشیدن دستگاه دولتی جمهوری اسلامی بر علیه بخش کوچکی از رهبران رژیم برای مصون نگاه داشتن دستگاه دولت جمهوری اسلامی است. این طرح، در صورت اجرا، بخش اعظم امکانات مالی، انسانی، تسلیحاتی و سیاسی را همچنان در اختیار دارودسته های اسلامی باقی میگذارد

سرنگونی خود رفتارندم برگزار میکند؛ آزادی تبلیغات میدهد، شمارش آرا را درست انجام میدهد و با اعلام شکست در انتخابات آخوندها در مراسم "تحلیف" رئیس جمهور یا شاه بعدی شرکت میکنند و بعد از این مراسم برای شکار پروانه و مطالعه در زنجیره حیات، عازم "حوزه های علمیه" میشوند کلاهبرداری سیاسی است. کسانی که به مردم میگویند سپاه پاسدارن، گله حزب الله و انصارالله و آدمکشان و شکنجه گران وزارت اطلاعات همگی، بعد از "رای نیابردن" در رفتارندم کنار میروند، ریششان را میتراشند، ادکلن میزنند و فلسفه درس میدهند یا مدرسه مطالعات استراتژیک تاسیس میکنند شارلاتان هستند. اگر مردم جمهوری اسلامی را به قبول رفتارندم کشیده باشند، قبل از آن باید آن را سرنگون کرده باشند. این نسخه از رفتارندم برای باز گذاشتن امکان "سر در آوردن" جمهوری اسلامی یا جناحی از آن از صندوق "رفتارندم" است. نسخه به سازش کشیدن دستگاه دولتی جمهوری اسلامی بر علیه بخش کوچکی از رهبران رژیم برای مصون نگاه داشتن دستگاه دولت جمهوری اسلامی است. این طرح، در صورت اجرا، بخش اعظم امکانات مالی، انسانی، تسلیحاتی و سیاسی را همچنان در اختیار دارودسته های اسلامی باقی میگذارد

و امکان میدهد که بنیادهای زندگی مدنی دایما گروگان باجگیری این دارودسته های اسلامی باشد و کل جامعه همواره در معرض دست اندازی آنها قرار بگیرند. ابعاد جنایات و وحشیگری های دارودسته های اسلامی در چنان حالتی در حلدی خواهد بود که حتی امروز مقتضیات حکومتی شان در ایران آنرا برایشان نامقدور کرده است. این رفتارندم نسخه معطل کردن مردم برای رسیدن اپوزیسیون راست به سازش با جمهوری اسلامی علیه خود مردم است.

• رفتارندم بدون جمهوری اسلامی

برداشت "رادیکال" تر از طرح رفتارندم، موکول کردن رفتارندم به بعد از سقوط جمهوری اسلامی است. این تفسیر برای مقابله با نقد چپ از رفتارندم و جذابیت شعار سرنگونی طلبانه "آزادی، برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و بالاخره خنثی کردن نارضایتی بخشی از اپوزیسیون میلیتانت راست از طرح رفتارندم است. در این "قرائت" گرچه شرمگینانه، سرنگونی مقدم بر رفتارندم نمایانده میشود اما در این "استراتژی"، هدف فوری، سرنگونی اعلام نمیشود، رفتارندم اعلام میشود! این وارونگی اتفاقی یا سهوی نیست. تقدم رفتارندم بر سرنگونی، در این سطح، برای اپوزیسیون راست دو خاصیت مهم دارد. ←

بیانیه حزب ...

اولا با راندن مساله سرنگونی جمهوری اسلامی، بعنوان هدف فوری، به پس پرده، آن را به موضوع جانبی، قابل تفسیر، قابل مذاکره، و قابل بحث اعلام میکند. ثانيا به همین دلیل امید دارد که بخش هائی از دستگاه دولت جمهوری اسلامی را بخود جلب کند. اگر دوبردار میخواست اسم و دستگاه دولت جمهوری اسلامی را هردو با هم نگاه دارد، این سیاست دست از اسم شسته میخواست راه نجات دیگری را در مقابل دستگاه قتل عام مذهبی- سیاسی فاسد جمهوری اسلامی قرار دهد. هدف این سیاست باز گذاشتن امکان کناره گیری تعدادی از رهبران جمهوری اسلامی برای نجات دستگاه دولت در شرایطی که خطر قیام مردم دستگاه دولت جمهوری اسلامی را تهدید کند است. طرح فرزانم مطرح شده از جانب اپوزیسیون راست در هر دو حالت خود علاوه بر اینکه حق انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده ایران را از مردم دریغ میدارد، با دادن مجال ادامه زندگی، تجدید قوا و فعالیت به اسلام سیاسی و دارودسته های تروریست - جنایتکار جز سیطره آدم کشی، بمب گذاری و ناامنی بر تمام گوشه و زوایای این جامعه و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی حاصلی نخواهد داشت. فرزانم در هر دو

حالت آن، طرح دست نخورده نگاه داشتن بخشی از دستگاه جمهوری اسلامی است و بانی سیه روزی آتی مردم است. طرح فرزانم به عکس تصویر "غیر خشونت آمیزی" که از خود میدهند منشاء بدترین نوع خشونت در جامعه و باعث حاکمیت سیاه ترین و جنایتکارترین نیروهای موجود بر زندگی و هستی مردم میشوند. فرزانم نسخه نگاه داشتن اسلام سیاسی در صحنه و تباهی جامعه است.

• سیاست حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

نزدیک ترین، مطمئن ترین و کم دردترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین منشور پیروزی جنبش سرنگونی قیام مردم علییه جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) برای سرنگونی رژیم ارتجاعی و جنایتکار اسلامی توسط قیام طبقه کارگر و توده وسیع مردم آزادیخواه ایران و تصرف قدرت سیاسی تلاش میکند. حزب ما به استقبال مبارزات رو به رشد کارگری و اعتراضات مردمی علیه کلیه ابعاد موجودیت رژیم اسلامی میروود و با متحد کردن، سازمان دادن طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در قالب شبکه ها و انواع مختلف سازمان های توده ای و بویژه با اتکا بر جنبش

مجمع عمومی دامنه قدرت و اقتدار مردم در مقابل جمهوری اسلامی را گسترش میدهد. گسترش مبارزات و اعتراضات نیروی واقعی سرنگونی رژیم و تحقق آزادی در ایران است.

آلترناتیو فوری و بلاواسطه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) حکومت سوسیالیستی است. اما حزب ما بر این واقعیت واقف است که موقعیت ابژکتیو کنونی، سرنگونی جمهوری اسلامی را به موضوع انقلاب در حال شکل گیری در ایران تبدیل کرده است. درست بر همین متن است که اپوزیسیون راست امکان قرار دادن آلترناتیو سیاسی خود در مقابل جامعه را یافته است. بلوغ پرولتاریا و بورژوازی ایران در انقلاب ۵۷ و در میدان بودن جریانات اسلامی، قومی و فاشیست تصور هرگونه "همه با هم"ی در تحولات ایران را به پدیده ای ناممکن تبدیل کرده است. هر طبقه، هر جنبش اجتماعی و هر حزب سیاسی تلاش دارد تا خود را برای دوره بعد از جمهوری اسلامی آماده کند. سیاست امروز همه احزاب ناشی از مقتضیات فردای آنهاست سرنگونی جمهوری اسلامی، در تمایز از انقلاب ۵۷ ایران، تازه نقطه شروع انقلاب واقعی است. جامعه بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی دستخوش عمیقترین کشمکش های تاریخ سیاسی ایران برای تعیین نظام

حکومتی آینده ایران میشود. این اجتناب ناپذیر است. تمام تلاش ما معطوف به آن است که این دوره با ضمانت وسیعترین آزادی ها، با تضمین دخالت مستقیم مردم در سیاست، با تبدیل منشور سرنگونی جمهوری اسلامی به خواست همه مردم آزادیخواه در ایران، امن ترین، آزادترین، کم خشونت ترین و کم دردترین راه را برای تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی حکومت در ایران متحقق شود. حزب ما در تلاش است تا یک حزب سیاسی قوی، توده ای و مقتدر ایجاد کند و بتواند با اتکا به نیروی مردم آزادی و امنیت در جامعه را تضمین کند.

تضمین کند که انقلابی که جمهوری اسلامی را سرنگون میکند، طبقه کارگر و مردم را در بهترین شرایط برای تعیین نظام آتی حکومت قرار دهد. انقلاب ما انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است. انقلاب سوسیالیستی مربوط به امروز جامعه است. سیاست ما تلاش برای ادامه بدون انقطاع هر انقلابی به انقلاب سوسیالیستی است. پیروزی جنبش سرنگونی برای ما تنها پیش درآمد بلاواسطه انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است. این وظیفه ماست که تا هنگامی که حاکمیت سرمایه بر زندگی مردم و جامعه خاتمه نیافته است و تا وقتی که بیانیه حقوق جهانشمول انسان

بعنوان پرچم پیروزی ارزش های انسانی به اهتزاز در نیامده و به قانون تخطی ناپذیر جامعه تبدیل نشده است، با شرکت در هر جنبش انقلابی، پیروزی آن را از زاویه منفعت جنبش کمونیستی کارگری و بشریت آزادیخواه و برابری طلب تعریف کنیم، به پرچمدار "نه" مردم به جمهوری اسلامی تبدیل شویم، این جنبش را به ابزار قدرتمند کردن حزب و تخته پرش آن به قدرت سیاسی تبدیل کنیم.

در همان حال، حزب ما تضمین میکند که با به قدرت رسیدن خود نه تنها منشور پیروزی جنبش سرنگونی را بعنوان قانون اعلام خواهد کرد، بلکه بیانیه حقوق جهانشمول انسان را بعنوان مبنای کلیه قوانین و مقررات کشور اعلام و خود را به ملتزم به اجرای آن میدانند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) بعلاوه خود را ملتزم به اجرای کلیه مطالبات برنامه خود، "یک دنیای بهتر" میداند و به همه مردم ایران امکان انتخاب آزاد و آگاه نظام آینده حکومتی ایران را خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) فوریه ۲۰۱۸ - بهمن ۱۳۹۶



منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

ضمیمه بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است. معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

۱ - اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی

۲ - انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.

۳ - انحلال کامل وزارت اطلاعات.

۴ - قابل دسترس کردن کلیه آرشیوها، بایگانی ها و پرونده های دولت از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات برای مردم.

۵ - مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم.

۶ - انحلال کلیه "حوزه های علمیه"

۷ - دستگیری سران جمهوری اسلامی

۸ - مسلح کردن مردم در میلپس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیروئی به آزادی ها و حقوق مردم.

۹ - اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

۱۰ - لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.

۱۱ - اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۱۲ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۳ - اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۴ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۱۵ - لغو مجازات اعدام.

۱۶ - دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۱۷ - لغو تمام پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه

۱۸ - لغو تمام کمکهای مالی و نظامی به دسته های قومی و مذهبی

۱۹ - لغو دیپلماسی سری

۲۰ - تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.

۲۱ - ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.

۲۲ - برگزاری رفراندوم در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباعت متساوی الحقوق با دیگران و یا جدائی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه پرسی، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) همه مردم آزادیخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلائی دارودسته های ارتجاعی و باند سیاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کانگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) فوریه ۲۰۱۸ - بهمن ۱۳۹۶

زنده باد انقلاب کارگری!

جدال کار و سرمایه ... اما برای طبقه کارگر نشان دادن میزان هزینه خانواده کارگری و مساله تورم و بر اساس آن تعیین حداقل دستمزد آسان ترین بخش کار است. برای هر ناظر خارجی، اگر ریگی در کفش نداشته باشد، عیان است که دستمزد چند میلیونی برای تامین زندگی خانواده کارگری حداقل است، اما سوال این است که چرا کارگر نباید به اندازه وزیر و نماینده مجلس حقوق بگیرد. کار کدام یکی نیاز اساسی جامعه است؟ کار مجلس نشینان و وزرا و قضات و نظامیان مفتخور یا کار سازندگی و تولید و چرخاندن جامعه توسط طبقه کارگر؟ اما اگر میزان واقعی حداقل دستمزد را همان چند میلیون که همه حتی بخشهایی از سخنگویان بورژوازی اعتراف می کنند، فرض بگیریم، راه تحقق این مطالبه و تامین زندگی آبرومند برای طبقه کارگر کدام است؟ در همه این سالها و دهه ها مشکل و مانع کار کجا بوده که طبقه کارگر هر سال نسبت به سال قبل فقیرتر، گرسنه تر و بیحقوق تر شده است. بیکاری افزایش یافته، تورم و گرانی مدام سیر صعودی داشته و طبقه کارگر شاغل و بیکار و خانواده هایشان و حتی کودکانشان زیر بار این بحران و شرایط فلاکتبار تحمیلی، کمرشان شکسته و بخشا تباہ شده اند. طبقه کارگری که در ایجاد تورم، گرانی، فساد اقتصادی و

انحصارات و دزدی ها و اختلاس و غیره نقشی ندارد، باید بار ویرانی اش را بردوش بکشد. طبقه کارگر مسئول ورشکستگی بخشهایی از اقتصاد، مسئول ورشکستگی بخشی از مراکز تولید، مسئول قبضه کردن و در انحصار گرفتن بنگاه های عظیم اقتصادی توسط سرمایه داران گردن کلفت تر، توسط نهادها و تشکیلاتهای مذهبی و نظامی و اختصاص بخش عمده ای از داراییهای مملکت به گسترش قدرت نظامی رژیم، ایجاد سازمان های شبه نظامی چون حزب الله و حشد شعبی و حوثی ها و سرپا نگه داشتن دولت بشار اسد در سوریه و حاکمیت شیعه ها در عراق و غیره... نیست. طبقه کارگر مشاور بورژوازی برای راه اندازی اقتصاد و رونق و گشایش اقتصادی نیست. طبقه کارگر در کنار سرمایه دولتی علیه سرمایه خصوصی قرار نمی گیرد، تعیین کننده واردات بی یا با رویه نیست و سرمایه داران عاقل و مدیران با تجربه و با صلاحیت را ناجی بنگاه های در حال ورشکستگی نمی داند. طبقه کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار در نقطه مقابل سرمایه با تمام متعلقاتش ایستاده است. در بازار و نظام سرمایه داری، کار کارگر کالایی است که سرمایه دار می خرد تا بهمراه ماشین و زمین و دیگر نیازهای تولید، سرمایه اش بچرخد و

سود تولید کند. برای این که سود کلان باشد به کالای ارزان نیاز دارد. نیروی کار ارزان کالای ارزان برای سرمایه دار است. و این میدان اصلی جدال و کشمکش طبقاتی بین سرمایه داران بعنوان خریدار نیروی کار و طبقه کارگر بعنوان فروشنده آن است. جدال بر سر تعیین حداقل دستمزد بیان این کشمکش طبقاتی است. کارفرمایان و دولتشان همیشه بهانه ای برای ارزان نگه داشتن نیروی کار دارند. بهانه هایی از قبیل اینکه مشکلات مالی داریم، پول نیست، تولیدات کالایی به فروش نمی رسد، قدرت رقابت نداریم، ماشین ها فرسوده اند و... حتی کارفرمایانی که این مشکلات را ندارند حاضر به افزایش دستمزد نیستند. این خواست سرمایه دار به سود کلان قبل از هر چیز یقه کارگر را می گیرد، سراغ او می آید، حداقل دستمزدش را مورد تعرض قرار می دهد، شدت کارش را بالا میبرد، شرایط کارش را سخت و از بیمه هایش می زند و بیمه دوران بیکاریش را نمی پردازد. در این بازار خرید و فروش کار، مساله دستمزد محوری ترین موضوع جدال بین طبقه کارگر بعنوان فروشنده و سرمایه دار بعنوان خریدار نیروی کار است. اما جنگ و جدال بر سر محوری ترین رابطه کار و سرمایه یعنی دستمزد جدالی فردی و

صنفاً برای طبقه کارگر نیست. جدالی طبقاتی و سراسری و همزمان سیاسی است. طبقه کارگر ایران فاقد تشکلهای توده ای مستقل خود است. در نتیجه امکان این که در فصل دستمزدها و قراردادهای بعنوان یک طبقه واحد ظاهر شود را ندارد. در اینجا دولت و تشکلهای دولتی به نام کارگر در کنار کارفرما، سرنوشت دستمزد یک طبقه را در غیاب نمایندگان واقعی اش رقم می زند. این اولین موضوعی است که باید بطور قطع از جانب طبقه کارگر غیر مشروع و غیر قابل قبول اعلام شود. زمانی که طبقه کارگر از تشکلهای توده ای مستقل و از حزب طبقاتی و کمونیستی اش محروم است، و اینها جزو ممنوعه های جدی و خط قرمز طبقه حاکم است، فوری ترین کاری که می توان انجام داد تعیین نماینده های کارگری است. یک هیات نمایندگی سراسری کارگری از همه بخشهای بزرگ صنایع و خدمات و معادن و ...، تنها مرجع صلاحیتدار برای جدال بر سر تعیین حداقل دستمزد سال ۱۳۹۷ است. میتوان از فردا دست به کار تشکیل مجامع عمومی در مراکز مختلف کارگری شد و نمایندگان خود را مستقیماً انتخاب کرد. هیات نمایندگی سراسری کارگران با تصمیم گیری از پیشی در مجامع خود در هر مرکز کار و مشورت این مراکز با هم و تعیین میزان حداقل دستمزد سر میز مذاکره می رود.

اگر دولت و کارفرما هیات نمایندگی سراسری کارگران را برای تعیین حداقل دستمزد امسال نپذیرد و شورای عالی کار سه جانبه گرایی سنتی خود را مرجع قرار دهد و یا هیات نمایندگی سراسری کارگران را بپذیرند اما به حداقل دستمزد تعیین شده کارگران تن ندهد، در هر دو حالت ما با تداوم مبارزه برای افزایش دستمزد طبقه کارگر روبرو خواهیم بود و جدال در توازن قوای جدیدی ادامه خواهد یافت. این تحول، یعنی اعلام موجودیت هیات نمایندگی سراسری کارگران برای تعیین حداقل دستمزد، چه با حضور مذاکره دو جانبه با کارفرما و یا در غیاب آن، پرونده افزایش دستمزدها بسته نمی شود. حزب حکمتیست، فعالین و رهبران عملی کارگران و شبکه های محافل کارگران کمونیست و سوسیالیست را برای آماده کردن طبقه کارگر از طریق تعیین یک هیات نمایندگی سراسری و رفتن به مصاف تعیین حداقل دستمزد سال ۹۷ با کارفرمایان و دولت فرا می خواند. در شرایطی که طبقه کارگر فاقد تشکلهای مستقل خود است، تعیین یک هیات نمایندگی سراسری بویژه در مراکز بزرگ صنعتی و بخش خدمات حیاتی است و خلا نمایندگی شدن واقعی طبقه کارگر را در مقابل تشکلهای دولتی پر کرده و میدان مانور و یکه تازی شان را محدود می کند.

مرگ بر سرمایه داری
زنده باد حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست
(خط رسمی)
۹ اسفند ۹۶
۲۸ فوریه ۲۰۱۸

کارگری مرد!

پیرامون خودکشی علی نقدی از کارگران کشت و صنعت مجتمع هفت تپه

علی نقدی، کارگر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، امروز سهشنبه، ۸ اسفند ماه خودکشی کرد! سالانه هزاران کارگر در فقدان ایمنی کار و ناامنی شغلی جان خود را از دست می دهند یا خود جانشان را می گیرند. و میلیون ها کارگر و خانواده های کارگری در شرایط دستمزدهای ناچیز و پرداخت نشده، با فقر و بیکاری و گرسنگی با مرگ تدریجی دست و پنجه نرم می کنند. این چه جامعه ای است که برای طبقه ای که تنها چرخاندگان چرخش هستند به جهنم تبدیل شده است؟ این جامعه مقدس سرمایه داری است. جامعه ای که همه چیز در آن مقدس است جز جان کارگر، زندگی کارگر و خوشبختی کارگر! جامعه ای که در آن سرمایه مقدس است، مالکیت مقدس است، مذهب و مسجد و امامزاده مقدس است، این مقدسات را چپ نگاه کنی زندان و قطع دست و پا و اعدام در انتظار است. سرمایه داران و دولت شان اما حق دارند نان کارگر را، زندگی کارگر را، دستمزد کارگر را، بیمه کارگر را ندهند، آزادی و حرمت کارگر را زیر پا بگذارند بدون این که هیچ تاوانی پس بدهند. این جامعه سرمایه داری است.

این آن جهنمی است که اقلیتی به نام سرمایه دار برای اکثریت انسان ها و صاحبان واقعی جامعه درست کرده اند و به آن افتخار هم می کنند. ننگ تان باد! کارگران دسته دسته می میرند یا خودکشی می کنند، دستمزد نمی گیرند ولی هنوز چرخ های صنایع و معادن و کارخانه ها می چرخد، چرا؟ چون جان کارگر، زندگی کارگر، خانواده کارگر، خوشبختی کارگر در مقابل خواست سرمایه، قانون سرمایه، طبیعت سرمایه و سودآوری سرمایه ارزشی ندارد. مفت نمی ارزد. چند ده و چند صد هزار کارگر ماه ها بدون مزد کار می کنند. دستمزدهای پرداخت نشده، بیمه های پرداخت نشده و ناامنی شغلی، یعنی کار مفت و مجانی و جان مفت و ارزان. علی نقدی می میرد، خودکشی می کند، چون احساس می کند تنها است. چرا که اگر او خود را عضو چند هزار کارگر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه می دانست، اگر کارگران هفت تپه علی را عضو خانواده طبقاتی خود می دانستند، تنهایی معنی نداشت، خودکشی معنی نداشت. بخش زیادی از کارگران هفت تپه همان شرایط علی و

همان خواهشهای او را دارند. چرا علی در دفتر بخش اداری تنها بود؟ علی تنها و خسته به همکاریش می گوید خودکشی می کند تا شاید شرکت به فکر مطالبات چندین ساله همکاریش بیفتد! خودکشی علی تنها لکه ننگ دیگری بر پیشانی کارفرما و سرمایه دار هفت تپه و دولتش نیست، طنز تلخی بر تخت سینه و علامت سوالی بر بالای سر کارگران هفته تپه و کل طبقه کارگر هم هست! و سوال این است که همکاریش در هفت تپه چه می گویند؟ علی می میرد تا شاید حق شما را بدهند! و شما دفتر بخش اداری هفت تپه را بر سر نوکران سرمایه داران خراب کردید؟ یا به همراه کارفرما و با فاتحه ای، عضو خانواده و هم طبقه ای تان را روانه گورستان کردید و چرخ های ماشین شرکت باز هم می چرخد! و شما خانواده علی نقدی را زیر پر و بال خانواده طبقاتی خود می گیرید و حق شان را از گلو کارفرما بیرون می کشید یا آنها هم دستجمعی از گرسنگی می میرند! شما چکار می کنید؟ هم طبقه ای های علی در سراسر ایران چه می گویند؟ این تراژدی انسانی را با قطرات اشک و تاسف و حتی خشم نمی توان جواب داد. باید برای این درد درمانی یافت. درمان این است که علی ها و هیچ کارگری و هیچ بخش و صنف کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

در کنگره نهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

شرکت کنید

کنگره نهم حزب حکمتیست (خط رسمی) در نیمه دوم آوریل ۲۰۱۸

در اسکاندیناوی بطور علنی برگزار میشود.

شرکت در کنگره نهم حزب برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند در کنگره حضور یابند.

ما همه احزاب، شخصیتهای سیاسی - اجتماعی و ... را به شرکت در کنگره نهم دعوت میکنیم. شرکت در کنگره حزب فرصت مناسبی برای حضور در بالاترین اجلاس حزب و آشنایی از نزدیک با حزب، سیاستها، مباحث و اولویتهای حزب است. این مهم خصوصا در شرایط متحول و تعیین کننده امروز که خیزش توده ای دوره اخیر استثمار شدگان و محرومین جامعه ایران، یک بار دیگر ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی را به عنوان قدم اول در راه هر نوع بهبود زندگی و رفاه و آزادی را به اصلی ترین مسئله سیاسی روز تبدیل کرده است، جایگاه ویژه ای دارد.

جهت ثبت نام و دریافت جزئیات بیشتر لطفا با ای میل زیر تماس بگیرید.

hekmatistparty@gmail.com

ورودیه برای هر نفر، برای دو روز جلسه و یانسون کامل معادل ۱۰۰ پوند انگلیس است.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ بهمن ۱۳۹۶ - ۱۲ فوریه ۲۰۱۸

تنها نماند. کارگر متحد و دوست و همپیمان و همراه همدیگر نه مایوس می شود، نه خسته و نه آرزوی مرگ می کند! این غول طبقه کارگر که در پراکندگی صافوش، خونش را در شیشه کرده اند باید متحد و همبسته و یکپارچه برخیزد! تنها با اتحاد طبقاتی، با یکپارچگی، با دلسوزی و همدردی و همراهی طبقاتی و با ایجاد سازمان طبقاتی، کارگران می توانند به مثابه گردان های یک لشکر واحد، در مقابل سرمایه داران و دولتشان بایستند و حقوق شان را از گلویشان بیرون بکشند.

طبقه کارگر محکوم به زندگی و مرگ در جهنم پر از خفت و خواری و گرسنگی سرمایه داری نیست. این نظام گندیده و فاسد و جهنمی باید بر بیفتد. خشم

گرسنگان باید با اتحاد و همبستگی طبقاتی و مبارزه بی امان به واژگونی نظام سرمایه داری و برقراری حکومت کارگران منجر شود. کارگر شایسته خودکشی و خود زنی نیست. این نظام و سیستم پوسیده و فاسد و ضد انسانی سرمایه داری است که باید به زیاله دانی ریخته شود. حکومت کارگران طلیعه خوشبختی بشریت در این کره خاکی است! طبقه کارگر تنها امید رهایی جامعه است!

مرگ بر سرمایه داری و دولتش زنده باد حکومت کارگری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۸ اسفند ۹۶
۲۷ فوریه ۲۰۱۸



۸ مارس روز جهانی زن

جنبش‌رهایی زن باید در قامت دیگری قد علم کند!

حرکات اعتراضی است، که می‌تواند راه پیشروی برای آزادی و برابری، برای لغو کامل قوانین ضد زن، برای جمع کردن کامل بساط نابرابری زن و مرد را باز کند.

زنده باد برابری زن و مرد
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ فوریه ۲۰۱۸

اعتراض به بستن تنها روزنه معیشت

اعتصاب سراسری بازاریان شهرهای بانه و پیرانشهر در اعتراض به مسدود کردن بازارچه‌های مرزی از روز شنبه ششم اسفند ادامه یافته است.

جمهوری اسلامی بازارچه‌های مرزی را یکی پس از دیگری می‌بندد. تجار و سرمایه‌داران حتماً راه‌های دیگری برای سودآوری سرمایه‌هایشان دارند، اما علاوه بر کسبه جزء و بازاریان شهرهای مرزی، بازارچه‌های مرزی تنها روزنه امرار معاش ده‌ها هزار کارگر و زحمتکش و کولبر این مناطق است. جواب رژیم در مقابل اعتراض این مردم گرسنه، استقرار نیروهای ضد شورش و ماشینهای زرهی برای سرکوب گرسنگان است. جمهوری اسلامی که از خیزش دی ماه مردم سیلی محکمی خورده است، وحشتش را پشت یگان‌های ویژه‌اش برای ارجاع و سرکوب مردم مخفی می‌کند.

رژیمی که تنها راه معیشت ده‌ها هزار کارگر و زحمتکش را می‌بندد، پاسخش به نان سفره این خانواده‌ها نه بیمه بیکاری است و نه تامین معیشت. اما جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند افسار گسیخته به معیشت کارگران و زحمتکشان جامعه بتازد و تعرض کند. جنگ نان و معیشت که جنگ مرگ و زندگی است با دولت سرمایه‌داران در ایران شروع شده است. اعتصاب زحمتکشان بانه و پیرانشهر جزئی از یک جدال اجتماعی بوسعت سراسر ایران برای زنده ماندن است. تهدید نظامی و پلیسی و امنیتی نه تنها یقه رژیم را از این جدال‌رها نمی‌کند، بلکه باعث خشم و اعتراض گسترده‌تر و فشرده‌تر و بیشتر و تنگ‌تر گلوئی این رژیم است. اعتراضات زحمتکشان بانه و پیرانشهر می‌تواند دشمن وحشت زده و زخم خورده را به عقب بنشانند و بازارهای مرزی را بگشایند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

هشتم اسفند ۹۶ (۲۶ فوریه ۲۰۱۸)

هشت مارس، روز جهانی زن، امسال بیش از هر نقطه و مکانی در جهان، چشم‌ها به سوی ایران، به سوی صف میلیونی جنبش همیشه در میدان احقاق حقوق زنان، جنبش احیا حرمت انسانی، نیمی از جامعه، جنبش احترام به انسان، و جنبش آزادی و برابری دوخته است. خیزش سراسری محرومین در دیماه امسال رابطه حاکمین و محکومین در ایران را تماماً تغییر داد. اعتراضات وسیع و گسترده طبقه کارگر علیه فقر و بی‌حقوقی و استثمار، اعتراضات میلیونی محرومین، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان و بیکاران، همه و همه رابطه پایین با بالا و حاکمین و محکومین در ایران را تماماً به نفع محرومین، به نفع قربانیان و علیه عاملین فقر و محرومیت و تبعیض، تغییر داد.

عروج جنبش حق زن در اشکال مختلف از زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات اسلامی در جامعه و زندگی روزمره زنان، تا حرکت دختران میدان انقلاب علیه حجاب به عنوان سمبل حکومت اسلامی، و علیه تحقیر و توهین به زن، بیان نفرت عمیق اکثریت بالای مردم ایران از قوانین اسلامی و آپارتاید جنسی و بیان توان جنبش آزادیخواهانه حق زن

در ایران است که مهر خود را بر تحولات آینده خواهد زد. هشت مارس امسال بی تردید رنگ این تقابل، رنگ این صف بندی، رنگ تقابل صف میلیونی محرومین و زنان سرکوب شده طی چهار دهه، را بر خود دارد. در هشت مارس امسال باید در سراسر ایران، علیه آپارتاید و زن ستیزی، علیه قوانین و مقررات ضد زن و در دفاع از برابری زن و مردم، به اشکال مختلف به میدان آمد. هشت مارس امسال جنبش‌رهایی زن با تکیه بر موجودیت مادی اش در تحرکات اعتراضی دیماه، باید در قامت دیگری قد علم کند.

هشت مارس امسال بی تردید هشت مارس دیگری است، که در آن دو رکن اصلی تقابل با حاکمیت مشتی انگل استثمارگر زن ستیز، صف محرومین، صف طبقه کارگر و صف دشمنان زن ستیزی در اتحاد با هم، به مصاف دشمن خواهد رفت.

امسال، گرایش سوسیالیستی در جنبش‌رهایی زن، در جنبش اعتراض به نابرابری زن و مرد، باید و می‌تواند بر سکوی جنبش خود، رنگ خود را به هشت مارس بزند. تنها رادیکالیسم گرایش سوسیالیستی در دل این جنبش، در شعارها و در

پلنوم چهل و یکم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

پلنوم چهل و یکم کمیته مرکزی حزب حکمتیست در روزهای شنبه - یکشنبه ۲۸ و ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ (۱۷ و ۱۸ فوریه ۲۰۱۸) با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی برگزار شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت جانبازگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد.

دستور جلسات پلنوم چهل و یکم عبارت بودند از:

- ۱- گزارش کمیته رهبری از موقعیت حزب
- ۲- اوضاع جدید و اولویتهای سیاسی - تاکتیکی و سازمانی حزب
- ۳- اوضاع امروز و جایگاه تشکیلات خارج کشور
- ۴- کنگره آتی حزب
- ۵- انتخابات

در اولین دستور جلسه، خالد حاج محمدی دبیر کمیته رهبری، گزارشی از فعالیتهای و پروژه های ویژه حزب در ایندوره و همچنین ارزیابی خود را از موقعیت حزب به پلنوم ارائه داد. در این بحث دبیر کمیته رهبری و پلنوم بر تعجیل و ضرورت ایفای نقش موثرتر کمیته مرکزی و کادرهای حزب تاکید داشتند.

دستور بعدی پلنوم "اوضاع جدید و اولویتهای سیاسی - تاکتیکی و سازمانی حزب" توسط آذر مدرسی معرفی شد. وی در این مبحث پلنوم بر سر مسائل سیاسی - تاکتیکی و سازمانی جدیدی که در مقابل جنبش ما و حزب قرار گرفته است پرداخت. پلنوم بر ضرورت مقابله جدی با طرح های ارتجاعی مانند، رفراندم، انتخابات آزاد، تغییر از بالا و بدون دخالت مستقیم مردم و طبقه کارگر انگشت گذاشت. پلنوم همچنین بر ضرورت تعیین سیاستها و تاکتیکهایی برای متحد و متشکل کردن بخش هرچه وسیعتری از مردم و در راس آن متحد کردن طبقه کارگر و کمونیستها و سازمانیابی توده ای و کمونیستی در ایندوره پرداخت. پلنوم بر ضرورت عرض اندام حزب به عنوان حزبی آلترناتیو و قوی و سرعت عمل و تعجیل در ایفای این نقش تاکید ویژه ای داشت.

دستور سوم پلنوم "اوضاع امروز و جایگاه تشکیلات خارج کشور" بود که توسط امان کفا، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب ارائه شد. امان کفا به اوضاع جدید در فضای سیاسی خارج کشور، به موقعیت جدید احزاب "چپ" در اروپا، بی ربطی این احزاب به جنبشهای اعتراضی و کارگری در اروپا و ضرورت برقراری رابطه

دستور بعدی پلنوم کنگره نهم حزب، گزارشی از اقدامات انجام شده و همچنین تدارک سیاسی و سازمانی آن بود که توسط خالد حاج محمدی به آن پرداخت.

در بخش انتخابات، پلنوم ابتدا آذر مدرسی را بعنوان دبیر کمیته مرکزی و رفقا آسو فتوحی، امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، فواد عبداللهی، مصطفی اسدپور و مظفر محمدی را مستقیم و بلافصل با سازمانها، رهبران، سازماندهندگان و ... جنبشهای اعتراضی و کارگری تاکید کرد. پلنوم همزمان به اقداماتی در جهت بهبود موقعیت تشکیلات خارج کشور حزب انگشت گذاشت.

بعنوان کمیته رهبری در پست خود ابقا کرد. پلنوم کار خود را با سرود انترناسیونال به پایان رساند. کمیته رهبری منتخب پلنوم در اولین نشست خود، خالد حاج محمدی را بعنوان دبیر کمیته رهبری در پست خود ابقا کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) ۲ اسفند ۱۳۹۶ (۲۱ فوریه ۲۰۱۸)

سرکوب مردم منسوب به "دراویش گنابادی" محکوم است

جمهوری اسلامی ایران، دستگاه سرکوب و توحش اش، مدت ها است که بخشی از مردم را به خاطر اعتقادات مذهبی - اسلامی متفاوت، مردم منسوب به "دراویش گنابادی" دستگیر، تبعید و اعتراضات شان را سرکوب میکند.

هرانسان آزاده ای باید به این سرکوب ها اعتراض کند و خواهان قطع فوری دستان جمهوری اسلامی در تعرض به اعتراضات مردمی شود که به تبعید و حبس به خاطر عقیده متفاوت، اعتراض دارند.

منشا این سرکوب ها، بگیر و ببند ها، تحقیر ها و خشونت جمهوری اسلامی، خصلت ارتجاعی حکومت، حاکمیت مذهبی - اسلامی است که در آن داشتن عقیده متفاوت، و نه حتی مخالف، از هرنوع، حتی عقاید اسلامی هم خانواده خود را تحمل نمی کند.

تنها و تنها مرگ جمهوری اسلامی، کوتاه شدن دست مذهب از زندگی مردم، کوتاه شدن دست مذهب از ساختار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایدئولوژیکی جامعه، آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و از جمله آزادی بی مذهبی و آزادی بی قید و شرط نقد همه جوانب ارتجاعی مذهب میتواند در مقابل این تعرض ها سد ببینند.

تمام دستگیر شدگان اعتراضات اخیر، و از جمله دستگیری مردم منتسب به "دراویش گنابادی"، باید بی قید و شرط آزاد شوند.

جمهوری اسلامی، حکومتی که دیمه امسال توسط محرومین بر تمام پیگرش از بالا ترین تا پایین ترین سطح آن مهر باطل شد، خورده است کمترین مشروعیتی نه تنها برای حاکمیت بر جامعه هشتاد میلیونی ایران ندارد که کمترین مشروعیتی برای حفظ نظم و امنیت جامعه را ندارد و خود منشا ناامنی، خشونت، فقر و تبعیض و بی حقوقی مردم است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ فوریه ۲۰۱۸

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تلفن با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

بازداشت صالح مسلم

توطئه مشترک اینترپل، ترکیه و دولت چک

حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز یکشنبه ۲۵ فوریه ۲۰۱۶ صالح مسلم از رهبران حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه (پ.ی.د) که برای شرکت در کنفرانسی به پراگ رفته بود، توسط پلیس چک بازداشت شد. طبق اخبار منتشر شده دستگیری و بازداشت صالح مسلم به درخواست دولت ترکیه از اینترپل و قرار گرفتن او در لیست پلیس بین المللی و نهایتاً بازداشت او توسط پلیس چک انجام گرفته است.

دستگیری صالح مسلم و قرار دادن او در لیست اینترپل مغایر با ابتدایی ترین حقوق انسانی شهروندان جهان و اقدامی در ردیف آدم ربایی است و باید به عنوان توطئه ای پلیسی و جنایی آنرا محکوم کرد.

این اولین بار نیست که اینترپل به درخواست دولتهای مستبد و جنایتکار و با اتکا به پرونده سازیهای پوشالی، مخالفین سیاسی این دولتها را تحت پیگرد قرار میدهد. در سال ۲۰۰۹ پلیس بین المللی لیست ۱۲ نفر از رهبران و فعالین و دوستان حزب ما را بر اساس درخواست جمهوری اسلامی و با اتکا به ادعاهای آنها در لیست خود قرار داد. آزمون این اقدام و همکاری اینترپل با جمهوری اسلامی توسط هزاران انسان آزادیخواه و دهها حزب، نهاد و... محکوم شد و نهایتاً اینترپل مجبور به پس گرفتن ادعای خود شد.

امروز نیز صالح مسلم به درخواست دولت ترکیه و با پرونده ساختگی این دولت به نام "تروریست" در پراگ دستگیر شده است. دولت اردوغان یکی از دولتهای تروریستی و جنایتکار در منطقه است و تا کنون دهها فعال سیاسی و مخالف ترکیه به کمک اینترپل تحت پیگرد قرار گرفته اند.

دستگیری صالح مسلم اقدامی تروریستی علیه همه نیروهای اپوزیسیون سیاسی ترکیه و دولتهای جنایتکار

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!